وزیر راه زیرگذر شوش را متوقف کرد

معاون وزیر راه و شهرسازی خبر داد: با پیشنهاد شورای شورای عالی شهرسازی و تایید ضمنی وزیر راه و شهرسازی، طرح احداث زیرگذر شوش متوقف و کمربندی جایگزین آن می‌شود. به گزارش ایسنا، محمدسعید ایزدی اظهار کرد: در روزهای اخیر به همراه دکتر طالبیان معاون سازمان میراث فرهنگی و برخی مقامات محلی، بازدیدی از محل احداث زیرگذر شوش به عمل آوردیم. طبق مشاهدات، منطقه ثبت شده و باستانی است و آثار مکشوفه پیرامون جاده نشان می‌دهد که اینجا بخش اصلی شهر باستانی بوده است.

چرایی و چگونگی چهار دهه مبارزه با سنت چهارشنبه آخر سال و پاسخ معکوس مردم در گفت‌وگو با حسن محدثی

چهارشنبه‌سوری از فرهنگ ایرانی حذف نخواهد شد

زهراداستانی
Dastani2000@gmail.com

جامعه‌شناسان معتقدند که سنت‌ها، برآمده و زاییده شرایط، نیازها، ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی یک جامعه هستند. سنت‌هایی که به شکل و شمایل گوناگون درمی‌آیند و روزی را در گاه‌شمار شمسی، قمری یا میلادی به نام خود ثبت می‌کنند. گاهی می‌شوند ۷ شبانه روز عروسی و گاهی می‌شوند جشن چهارشنبه‌سوری و دید و بازدیدهای عید. اما در گذار زمان تنها سنت‌هایی بر جا می‌مانند که با ضرورت‌های جامعه انطباق داشته باشند، در غیراین صورت یا از بین می‌روند و یا متناسب با ضرورت‌ها و نیازهای مردم، دچار تغییر و تطور می‌شوند. بخش‌های نامنطبق حذف می‌شوند و بخش‌های ضروری و منطبق بر جای می‌مانند و تقویت می‌شوند. چهارشنبه‌سوری که چند دهه‌ای است رسانه‌ها نامش را به چهارشنبه‌سوزی تغییر داده‌اند، از این اصل تبعیت کرده است. سنتی که در طول چهار دهه به سنتی خانمان‌سوز بدل شده است. اما چه شد؟ این سوالی است که بسیاری از کسانی که طعم چهارشنبه‌سوزی چهل‌سال پیش را چشیده‌اند در ذهن می‌جویند. سوالی که حسن محدثی، جامعه شناس دین و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «ابتکار» به آن پاسخ می‌دهد.

نسل انقلابی برای ما نسل‌های بعد انقلاب همیشه از قاشق‌زنی، فال‌گوشی و گره‌گشایی، آجیل‌خوران و پریدن از آتش چهارشنبه آخر سال می‌گویند. از بچه‌هایی که پشت در خانه چادر به سر و قابلمه به دست می‌ایستادند، از گرمای آتشی که همه را به دور هم جمع می‌کرد و هر چه بود مهر بود و محبت. اما حالا ما نسل‌های بعد از انقلاب از چهارشنبه‌سوری دست‌های خونین، انگشتان پریده، چشمان کور و شماتت‌های بزرگ‌ترها را به یاد داریم، شماتت‌هایی که در اوایل انقلاب از سوی بزرگان دین آغاز شد. سخنان آیت‌الله مطهری در نکوهش این سنت بعد از سال‌ها همچنان شنیدنی است که می‌گوید: «پدران ما در گذشته چنین می‌کردند ما هم چنین می‌کنیم. چهارشنبه آخر سال شمسی بسیاری از خانواده‌ها که باید بگوییم خانواده احمق‌ها، بسیاری از خانواده احمق‌ها آتشی روشن می‌کنند، هیزمی روشن می‌کنند و آدم‌های سر و مر گنده با هیکل‌های چنین و چنان از روی آتش‌ها می‌پرند و می‌گویند «ای آتش زردی من از تو سرخی تو از من»؛ چقدر حماقت است. می‌پرسیم چرا چنین می‌کنید؟ می‌گویند سنت است. قبل از این پدران ما چنین می‌کردند. قرآن می‌گوید «اولو کان آباؤ هم لا یعقلون شیئا و لایهتدون» اگر هم پدران شما در گذشته چنین کاری می کردند وقتی می‌بینید یک کار احمقانه است و دلیلش خری پدران شما است چرا شما دوباره این سند حماقت را سال به سال تجدید می‌کنید این فقط یک سند حماقت است و شما کوشش می‌کنید این سند حماقت را زنده نگه دارید.»

حالا اما از زمان بیان این سخنان سال‌هاست که می‌گذرد، سال‌هایی که از سوی نظام سیاسی و حتی بزرگان دین تلاش بر حذف این سنت صورت گرفته اما چه شده که این تلاش ناکام مانده است؟ حسن محدثی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس دین در گفت‌وگو با «ابتکار» پاسخ می‌دهد.

چرا سنت چهارشنبه‌سوری به این حال در آمده است؟

یکی از بحث‌هایی که در کتاب دین و شادی به آن اشاره کرده‌ام مقابله با جشن‌های ایرانی است که از دو موضع صورت گرفته است: یکی از موضع علمای دین و فقها که این جشن‌ها را بت‌پرستانه، مشرکانه دانسته‌اند و یا با تعبیر خرافی و ابلهانه توصیف کرده‌اند. به طور مثال آیت الله مطهری تند و شدید با سنت چهارشنبه‌سوری برخورد می‌کند و برخی از فقها آن را مرتبط با آتش‌پرستی دانسته‌اند و خواسته‌اند این سنت‌ها را طرد کنند و ضد اسلامی معرفی کنند. در کنار این نگاه که در آن از موضع شرعی و دینی سختگیرانه به جشن‌های ایرانی پرداخته شده است، نظام سیاسی نیز تلاش کرده تا متولی این نگاه دینی شریعت‌مدارانه سخت‌گیرانه باشد و این نوع جشن‌ها را حذف کند. همه ما می‌دانیم که این جشن‌ها ریشه‌های ملی و تاریخی دارند و در طی قرون متمادی حفظ شده‌اند و مردم از رهگذر جامعه‌پذیری آن را پذیرفته‌اند و این جشن‌ها جزو خاطره و ایام خوب و دوست‌داشتنی‌شان بوده است. آنها به بهانه این سنت‌ها در کنار هم جمع می‌شدند و لحظات خوش و شیرینی را در کنار هم می‌گذراندند. بنابراین، این جشن‌ها مورد قبول توده مردم بوده و برای‌شان ارزش و اهمیت داشته و دارد. لذا نگاه آمرانه که قصد حذف این سنت‌ها و جشن‌ها را دارد با مقاومت مواجه می‌شود. اساسا کسانی که در ایران معاصر و چند دهه اخیر می‌خواهند فرهنگ را از بالا و به‌نحو آمرانه مهندسی کنند با مقاومت و شکست روبه‌رو می‌شوند. چنان که در عصر پهلوی نیز زمانی که حکومت قصد داشت تا به‌نحو آمرانه کشف حجاب کند یا برخی از موارد فرهنگی دیگر را حذف کند کامیاب نبوده است و با مقاومت روبه‌رو شده است. در ایران بعد از انقلاب نیز با این موارد روبه‌رو هستیم و درباره امور مختلف فرهنگی این شکست را می‌بینیم که نظام سیاسی یا کسانی که از بالا و با نگاه متولی‌گرانه دینی خواسته‌اند این عناصر فرهنگی را حذف کنند کامیاب نبوده‌اند. به‌عنوان مثال، همین نگاه باز هم در امر قمه‌زنی و حذف آن موفق نبوده و با مقاومت روبه‌رو شده و همچنان مردم در خفا یا در فرصت‌های گوناگون این عمل را انجام می‌دهند.

چطور شده که ماجرا به این سمت پیش رفته که مردم دست به این کار زده‌اند که به شکل خشونت آمیزی این جشن را برگزار کنند؟

داستان آن به دهه‌های اول انقلاب باز می‌گردد که جلوی برگزاری این جشن گرفته شد. تا پیش از این مردم خیلی ساده به خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌آمدند و آتشی برپا می‌کردند و از روی آتش می‌پریدند و کنار هم جمع می‌شدند. در واقع با مداخله نظام سیاسی به این جشن جلوی آن سد شد و مردم دیگر نتوانستند مثل سابق جشن بگیرند. بنابراین روند به سویی رفت که مردم آرام آرام از راه‌های دیگری شادی خود را اظهار می‌کردند. به خاطر دارم که در اولین سال‌ها نوجوانان و جوانان از داخل خانه‌ها و از پنجره ترقه به بیرون پرت می‌کردند و آرام آرام به همین ترتیب روند افزایش پیدا کرد و پرتاب ترقه، مواد محترقه و منفجره از درون خانه‌ها به بیرون و به خیابان‌ها کشیده شد. بعد از آن دیگر ترقه بازی و استفاده از مواد محترقه و منفجره تبدیل به یکی از مؤلفه‌های اصلی چهارشنبه‌سوری شده است. در واقع نوع عمل‌کرد نظام سیاسی و عملکرد متولیان فرهنگ مقصر این وضع هستند. اگر به گذشته رجوع کنیم می‌بینیم که برخوردها و سختگیری‌ها نه تنها موفق به توقف و حذف این جشن‌ها نشد که وضع بسیار آسیب‌زا و ناامنی را برای مردم در خیابان‌ها و مجامع عمومی پدید آورد. منتقدان دلسوز بارها گفته‌اند که این راه‌ها نتیجه‌بخش نیست اما این نقدها مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و برخی به صورت آمرانه و بی‌اعتنا به ویژگی‌های عناصر فرهنگی و اجتماعی در فرهنگ و امور اجتماعی مداخله کردند و چنین آسیبی را پدید آورده‌اند و اکنون عملاً در چنان وضعی گرفتار هستند که فقط تلاش می‌کنند که این آسیب‌ها کمتر شود.

شما اشاره کردید به بحثی که این جشن نوعی شادی است و از زمانی این عناصر به این سنت اضافه شد که جلوی جشن گرفتند.

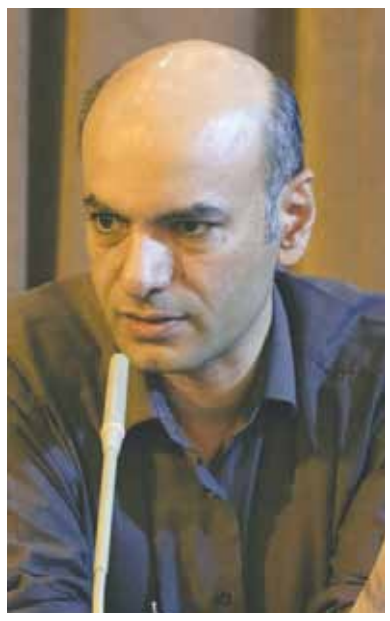

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا مردم از این سنت دست بر نمی‌دارند و نه کسانی که سعی در حذف آنها داشتند موفق شده‌اند و نه کسانی که سعی در بازگشت این آیین به گذشته دارندکامیابند؟

قرن‌ها است که این جشن‌ها در ایران وجود داشته و دوره به دوره در آنها تغییراتی وارد شده است. اما در کل این جشن‌ها سابقه‌دار است. به یاد دارم که در خانه مذهبی ما جمع شدن اعضای خانواده در کنار هم و کپه کردن کاه، آتش‌زدن و پریدن از روی آن توسط پدر خانواده که روحانی بود انجام می‌شد و او همه ما را دعوت می‌کرد که از کوچک و بزرگ از روی آتش بپریم و دعا کنیم و از خداوند گشایش مادی و مطالبه معنوی داشته باشیم. به عبارتی این سنت با نگاه دینی و اخلاقی مذهبی خانواده، فرهنگ و جامعه ایرانی درآمیخته بود. بنابراین، در طی قرون این سنت به ما رسیده بود و از کودکی با آنها بزرگ شدیم و آن را پذیرفتیم. بنابراین وقتی سنت، اعتقاد یا باوری که در طی دوره طولانی از زندگی پذیرفته می‌شود، نمی‌تواند با یک بخشنامه یا دستور و یا در مدّت و دوره کوتاه حذف شود.

مثالی می‌تواند این موضوع را واضح‌تر بیان کند. مرسوم است که در سفر حج از پیش از اعزام، به حاجیان گفته می‌شود که وقتی به مراکز مقدس رفتید از آنجا خاکی برای تربت برندارید تا مشکلی پیش نیاید و شرطه‌های عربستان با شما برخورد نکنند، اما این گفت‌وگوها و تذکرات حاجیان را متنبه نمی‌کند چراکه ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ سال به آنان گفته شده که خاک امام مقدس است و حالا بعد از این همه انتظار او به مراد دل رسیده است. بنابراین آن چیزی که در طی دوره طولانی به مردم آموخته می‌شود و مردم با آن فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر می‌شوند، قابلیت آن را ندارد که با یک بخشنامه یا در دوره کوتاهی آن را از بین ببریم یا به کلی کنار بگذاریم. بنابراین مشکل از سوی مردم نیست چراکه این یک روند تاریخی بوده و بسیاری از عناصر فرهنگی چه آنهایی که دینی بودند، همانند عزاداری عاشورا و چه آنهایی که ملی بودند و ماندگار شده‌اند، به همین ترتیب به ما رسیده‌اند. بسیاری از جشن‌ها مانند مهرگان هنوز هم پابرجا مانده‌اند اما کمرنگ‌تر شده‌اند اما جشن‌های مربوط به ایام نوروز به دلیل آنکه با تغییر طبیعت و سال همراه هستند، جذابیت ویژه‌ای دارند و بار معنوی خاص خود را دارند و برای مردم بسیار جذاب هستند. بنابراین تغییر این سنت‌ها به این شیوه یا از بین بردن آنها (صرف‌نظر از این که چه موضعی داریم) به این سادگی‌ها نیست. لازم است نظر صریح خود را هم بگویم که من شخصاً این مجموعه‌های فرهنگی و سنّت‌ها را بخشی از میراث ارزشمند و سرمایه فرهنگی و اجتماعی کشور می‌دانم و با مواجهه حذفی با آنها مخالفام.

اما عملکرد نظام سیاسی با محدود کردن و برخورد کردن و تبدیل کردن آنها به یک جرم، سبب شد تا مردم از هر طریقی که می‌توانستند در برابر آن مقاومت و مقابله کنند و به‌نحو دیگری جشن خود را برگزار کنند. این اتفاقی است که در چند دهه اخیر در کشور به وجود آمده و باید به سراغ کسانی رفت که این شیوه ناصحیح را در پیش گرفته‌اند و آن را دنبال می‌کنند.

تنها کاری که در حال حاضر می‌توانیم انجام دهیم این است که شرایط را برای شادی مسالمت‌آمیز و دوستانه و مهربانانه مردم و پذیرش فرهنگ سالمی که وجود دارد از طریق عدم مداخله آمرانه در کار مردم فراهم کنیم

در میان سخنان‌تان به این موضوع اشاره کردید که سنت یا جشنی مانند چهارشنبه‌سوری در ایران چهار دهه پیش جدای از مذهب و دین اسلام نبوده و به هم آمیخته بودند. اما چه شد که یک باره این سنت به امری غیرمذهبی بدل شد؟

تمام سنت‌هایی که تحت عنوان سنت‌های ملی و ایرانی از آنها یاد می‌کنیم، ریشه‌های دینی و مذهبی دارند و در دین زرتشت معانی خاص خود را دارند. دین زرتشت دینی توحیدی است و زرتشت از پیامبران موحد جهان بوده و دین زرتشت حتی در یکی از آیات قرآن به عنوان دین اهل کتاب معرفی شده است. نگاه شریعت‌مدارانه تنگ‌نظرانه برخی فقها و روحانیون که مبتنی بر درک نادرستی از دین زرتشت است، همه این سنت‌ها را تحت برچسب آتش‌پرستی و شرک تلقی می‌کند و رد می‌کند، در حالی که زرتشتیان به هیچ وجه آتش‌پرست نیستند و این نوع مواجه نوعی تحریف در باب دین زرتشت است. در خود این سنت‌ها و در دین زرتشت ابعاد معنوی پررنگ بوده و هنوز هم اجرای این سنّت‌ها در میان زرتشتیان با امور معنوی و دینی همراه است. در میان زرتشتیان این جشن‌ها با انواع دعاها، مباحث دینی و مناسک دینی همراه است. هیچ‌گاه از خاطر نمی‌برم که وقتی من و همسرم در آتشکده یزد آیات گاتها را خواندیم به‌شدّت تحت تأثیر قرار گرفتیم، چون قرابت زیادی با آیات قرآن داشت. بنابراین اینگونه جشن‌ها ریشه در دین دارد و در فرهنگ اسلامی در ایران پس از اسلام نیز به دلیل بار معنوی‌ای که دارد با عناصر و آموزه‌های اسلامی آمیخته می‌شود و به اندیشه اسلامی گره می‌خورد. مثلاً در زمان تحویل سال نو وقتی دعای «یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبرالیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال» را می‌خوانیم نشان می‌دهد که تحول در طبیعت با فکر تحوّل در وجود، فکر و اندیشه و احساس ما پیوند می‌خورد و ما به‌واسطه آن، تحولی وجودی را از خداوند طلب می‌کنیم. بنابراین، به دلیل ویژگی‌های خاص، عناصر این مجموعه‌های فرهنگی، بار اخلاقی، معنوی و دینی پیدا می‌کنند. لذا بعد از ورود اسلام به ایران به‌تدریج و با گذشت قرن‌ها عناصر دینی به هم پیوند خوردند اما نگاه سختگیرانه شریعت‌مدارانه که دین الهی را به یک نگاه و گرایش خاص اسلامی منحصر می‌کند این مشکلات را ایجاد می‌کند.

آیا نگاهی که آیت‌الله مطهری به سنت و جشن چهارشنبه‌سوری داشتند بر آمده از همین موضوع است؟

دقیقا. آیت الله مطهری حرف‌های تندی درباره این نوع جشن‌های ملّی و ایرانی می‌زند که اولا نشانه عدم آشنایی درست او با دین زرتشت است و ثانیا نشان می‌دهد که بسیار غیر متساهل و غیر روادارانه راجع به سنت‌های ایرانی و عناصر باقیمانده از دین زرتشت سخن می‌گوید. من در فصل دوم کتاب نظریه‌ای در باب دین و شادی برخی از این‌گونه نظرات ایشان را مورد بحث قرار داده‌ام.

یادداشت

بازتولید بحرانِ چهارشنبه سوری

عادل فتح‌اللهی نوشهر*

عید نوروز، یلدا، چهارشنبه‌سوری، سیزده به در و ... از جمله رسوم باستانی ایران است که در خلال دگرگونی‌های تاریخی- ایدئولوژیک هنوز در اذهان ایرانیان نقش پررنگی را ایفا می‌کند. به بیانی دیگر هویت جمعی ایرانی در برابر این رخ دادها اساساً بی‌تفاوتی را پذیرا نیست، حتی تصادم برخی مناسک مذهبی- سنتی دیگر با این رخدادهای فرهنگی تاثیر بسزایی در جریان و برگزاری این مراسم‌های اصیل ایرانی ندارد. باید اشاره داشت که هرکدام از رسوم تاریخی- فرهنگی به لحاظ جامعه شناختی عناصر پر رمز و راز، کارکردها و در برخی موارد کژکارکردهای بسیاری را داراست که در مسیر پر پیچ و خم تاریخ در این موارد تغییرات بسیاری به وجود می‌آید. پیشینه مسئله‌دار بودن این مراسم صرفاً به آسیب‌زایی عینی و جسمی حال حاضر آن اشاره ندارد بلکه برخی شخصیت‌های دینی از پیش از انقلاب ۵۷ به شکلی ریشه‌ای با ماهیت این مراسم مخالفت‌های جدی کرده و آن را به مثابه امور جاهلانه تلقی و مخالف شرع می‌دانند. اما در مقابل، جریان‌های دیگری همیشه این مراسم را نشانه پرمایگی و عظمت تاریخ ایران پیش از اسلام می‌انگارند و ماهیت و رسوم اصلی این جشن را ملی و کارکردی می‌دانند. به هر ترتیب این مراسم مهم ایرانی در عین کارکرد مثبت خود وضعیتی نابه هنجار یا آسیب‌زا - ایذایی به خود گرفته و از اصالت خود فاصله زیادی پیدا کرده است به شکلی که هرساله آمار بالایی از آسیب دیدگان این مراسم منتشر می‌شود. از این رو عموماً مراجع و مسئولان حاکمیتی پیش از این مراسم هشدارهایی را به صورت رسمی به عموم مردم اعلام می‌کنند. باید اشاره داشت با هرنوع تلقی و رویکردی که به مراسم چهارشنبه آخر سال بنگریم، در سال‌های اخیر با یک وضعیت بحرانی که به صورتی فزاینده رو به رشد است مواجه هستیم. چراکه این سنت تبدیل به نوعی کارزار ملی و یا به عبارتی دیگر محلی برای تخلیه هیجانات، فشارها و شکاف‌های ذهنیِ جامعه شده و هشدارها و تلاش‌های پلیس و نهادهای حاکمیتی نیز مانعیِ جدی برای این شتاب فزاینده نبوده است. با نگاه جامعه شناختی می‌توان بیان کرد که عموماً رسوم گذشته با عناصر نوینی که دردسترس و کارا و متناسب با نیازهای حال حاضرهستند جایگزین می‌شوند. برای مثال تیراندازی در مراسم عروسی به عنوان اعلام حضور خانواده عروس در گذشته‌های نه چندان دور با بوق های اتوموبیل امروزی جایگزین شده است. ازاینرو با توجه به شرایط اجتماعی، عناصر فرهنگی چهارشنبه‌سوری همچون قاشق زنی و روشن کردن آتش و... با مواردی به شدت خطرناک چونِ مواد منفجره با تخریب و آلودگی صوتی بالا جای‌گزین شده است. تبین این جانشینی عمدتاً باید معطوف به توضیح نوع رویارویی حاکمیت و مسئولان فرهنگی در ریشه‌ها و جرقه‌های اولیه و تداوم این پدیده باشد. چرا که حاکمیت در شکل‌دهی جریان‌های اجتماعی نقش بسزایی را ایفاء می نماید. بدین شکل جریان دائمیِ بحرانی شدن چهارشنبه سوری هماهنگی ظریفی با جریان تدبیر و رویارویی نامناسب مسئولان فرهنگی دارد. چراکه رویکرد مسئولان اغلب تحذیری و تجویزی بوده و تلاشی در جهت شناسایی، همنوایی و سوق دادن عناصر فرهنگی به شرایط کنترل شده صورت نگرفته است. برای مثال می‌توان بخشی از جشن‌های تابستانه‌ای که شهرداری به صورت گسترده در پارک‌ها برگزار می‌کند با هدف کاهش آسیب و سوق فضای موجود به جشن جمعی به این روز منتقل شود. اما نگاه آرمانه و انعطاف ناپذیر مسئولان نسبت به این سنت، شرایط به وجود آمده را تشدید می‌کند. در این میانِ هم‌نشینی فرصت‌های برآمده از این سنت و شکاف‌های اجتماعی-سیاسی شکل گرفته که دائماً مورد واپس زنی قرار می‌گرفته یکباره در میان ذهنیت جمعی تبدیل به معجونی می‌شود که هر روزه سمی و زهرآگین‌تر خواهد شد.

* جامعه شناس و مدرس دانشگاه

رونوشت آگهی حصروراثت

خانم زینب بابامیری دارای شناسنامه شماره ۲۶۰۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۸۲/۹۶ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان غریب بامیری بشناسنامه ۱۰۳ در تاریخ ۶۷/۲/۹ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱-زینب بابامیری خاص فرند اقا ملا ش ش ۲۶۰۶ همسرمتوفی ۲-حکیمه بامیری فرزند غریب ش ش ۷۶ نسبت بامتوفی فرزند ۳-رحیم بامیری فرزند غریب شماره شناسنامه ۱۸۸۱ نسبت با متوفی فرزند ۴-اسماعیل بامیری فرزند غریب شماره شناسنامه ۱۲۵ نسبت بامتوفی فرزند ۵-ابراهیم بامیری فرزند غریب شماره شناسنامه ۱۵۰۹ نسبت با متوفی فرزند ۶-محمد رحیم بامیری فرزند غریب شماره شناسنامه ۱۹۶۰ نسبت با متوفی فرزند اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبوررا یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ازمتوفی نزد ایشان دارد ازتاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد ۲۹۵۲

رئیس شورای حل اختلاف شماره ششم لردگان ۱۳۴۴۹

آگهی ابلاغ اجرائیه

به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۷۱۰۲۰۰۶۲۰- صادره ازشعبه دوم دادگاه عمومی بوشهردرپرونده ۹۵۰۷۸۶ له آقای علیرضا شریف زاده گان بطرفیت ۱-محبوبه محمودی فرزندعلی ۲-سیدعلی مزارعی ملزم به فک پلاک یکدستگاه خودرو رتابه شماره انتظامی ۱۵د۵۱۹-۴۸ وپرداخت خسارت تاخیرنادیه بصورت بالمناصفه درحق محکوم له همچنین پرداخت نیم عشر اجرایی درحق دولت صادر گردیده است باتوجه به مجهول المکان بودن محکوم علیه طبق ماده۹قانون اجرای احکام مدنی به محکوم علیه ابلاغ می گردد که ظرف ده روز ازتاریخ انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام نمایند درغیراینصورت پس از انقضای مهلت قانونی دایره اجرای احکام حقوقی حسب درخواست محکوم له نسبت به اجرای حکم اقدام خواهدنمود

رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی بوشهر م الف ۲۶۹۵ ۱۳۴۳۴

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

موضوع پرونده اجرایی به کلاسه ۹۶۴۸۴۳ اجرای احکام شورای حل اختلاف منطقه ۱۲ و ۱۳ تهران بموجب اجرائیه صادره از شعبه ۶۱۴ شورای حل اختلاف منطقه ۱۲ و ۱۳ تهران له آقای محمود صفرخانی علیه آقای آرمین لیوانی محکوم به مبلغ ۲۲۴/۵۶۵/۲۴۵ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۲۱/۲۲۸/۲۶۷ ریال بابت نیم عشر اجرایی علیهذا محکومله جهت وصول محکوم به اموال منقول متعلق به محکوم علیه را به شرح ذیل توسط اجرای احکام توقیف و تقاضای فروش آن را نموده است که عبارتند سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی به شماره ۶۶-۱۰۰۰۰ فرعی از ۲۲۲۶ اصلی واقع در تهران- انتهای خیابان جیحون خیابان شهید احمد پهلوانی کوچه بن بست بهاران مجتمع مسکونی بوستان بلوک ۳ طبقه ۴ واحد ۱۳ می‌باشد؛ مورد مزایده عبارتست از یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۷۶/۷۶ متر مربع در جنوب غربی طبقه چهارم یک ساختمان هفت طبقه روی پیلوت و زیر زمین با اسکلت فلزی و بذیرایی با کف سیمان و دو خواب با دیوارهای پوسته پوسته شده و- لذا مقرر شده اموال غیرمنقول موصوف در تاریخ ۹۷/۱/۲۰ از ساعت ۰۹:۳۰- الی ۱۰:۰۰ دفتر اجرای احکام شورای حل اختلاف ۱۲- ۱۳ تهران واقع در دروازه شمیران خیابان همایون تاطقی شورای حل اختلاف ۱۲ و ۱۳ از طریق برگزاری مزایده بفروش برسد. و جمعا از قیمت پایه کارشناسی شده به میزان ۶۱۴/۰۷۰/۰۰۰ ریال (معادل شصت و یک میلیون و چهار صد و هفت هزار تومان) طبق نظریه کارشناسی شماره ۲۵۷/۹۶د ک مورخ ۹۶/۱۰/۲۸ شروع و به هرشخص حقیقی یا حقوقی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد و ۱۰ درصد قیمت خرید فی‌المجلس به صورت نقد از خریدار اخذ و الباقی ظرف یکماه از وی وصول و پس از انجام مراحل قانونی اموال به برنده مزایده تملیک خواهد گردید. در صورتیکه خریدار در مهلت مقرر مابقی وجه مزایده را پرداخت ننماید سپرده وی پس از کسر هزینه‌های مزایده بنفع صندوق دولت ضبط خواهد شد. ضمنا کلیه هزینه‌های انتقال مورد مزایده بر عهده خریدار می‌باشد و همراه داشتن کارت ملی جهت شرکت در مزایده الزامی است و داوطلبان می‌توانند جهت اخذ اطلاعات بیشتر ۵ روز قبل از موعد مقرر به این واحد اجرا مراجعه تا ترتیب اطلاعات بیشتر داده شود.

اجرای احکام شورای حل اختلاف ۱۲ و ۱۳ تهران ۱۱۰/۱۵۹۱۷۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانونی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۴۱۶۶-۱۳۹۶۰۲۱۸۰۰۸۰۰- هیئت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودسر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی غلامی‌پور فرزند ابوالقاسم به شماره شناسنامه ۸ صادره از رودسر در ششدانگ یک باب خانه و محوطه به مساحت ۲۲۶/۱۶ متر مربع به شماره پلاک ۱۰۲۹ فرعی از ۸۱ اصلی محرزی شده از پلاک ۱۲۰ فرعی از ۸۱ اصلی واقع در ناصر سرا بخش ۲۹ گیلان خریداری از مالک رسمی آقای سید عباس موسوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متضاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

۹۲۳/م الف رئیس ثبت اسناد املاک رودسر - حسنعلی پاک مهر ۱۳۸۹۵

آگهی ارزیابی کیفی و تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۹۶/۱۲/۲۲/۶۰۰/۳۸۹۹۹)

شرکت آب و فاضلاب استان فارس در نظر دارد نسبت به خرید لوله چدن داکتیل جهت آبرسانی به شهر فیروز آباد طبق مشخصات درج شده در اسناد مناقصه را از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله‌ای اقدام نماید. از کلیه تولید کنندگان و عرضه‌کنندگان جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل می‌آید.

- شماره آگهی تجدید مناقصه درج شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ۲۰۰۹۶۷۰۰۲۰۰۰۰۰۸ می‌باشد.
- محل اخذ اسناد: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir
- محل تسلیم پیشنهادات: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و واحد دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان فارس (شیراز میدان مطهری، ابتدای بلوار قدوسی غربی، نبش خیابان سبحانی، بلوک ۴۰۶ طبقه اول)
- آخرین مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه: دو شنبه ۹۷/۰۱/۲۰
- تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: پایان وقت اداری روز یکشنبه ۹۷/۰۲/۰۹
- تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات: ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۹۷/۰۲/۱۰
- اعتبار طرح از محل اعتبار عمرانی (اوراق مشارکت دو یا سه ساله می‌باشد)
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۵/۲۰۲/۴۲۵/۰۰۰ ریال (بصورت ضمانتنامه بانکی در وجه شرکت آب و فاضلاب استان فارس)
- قیمت اسناد ۲۰۰/۰۰۰ ریال (واریز به حساب شماره ۱۵۲۸۹۳۶۴۰۴ بانک ملت شعبه میدان معلم کد شناسه ۲۴۰۰۰۸۰۶۰۳۱۷۵ بنام شرکت آب و فاضلاب استان فارس)
- به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطالقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج گردیده است.
- این آگهی در سایت اینترنتی www.abfa-fars.ir نیز درج گردیده است.
- این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir ثبت گردیده فقط پاکاتی قابل قبول و بازگشایی می گردد که شرکت کننده (مناقصه‌گر) در سامانه ثبت نام و کلیه مدارک را در سامانه بارگذاری و پیشنهاد قیمت را ارائه نموده باشند، کلیه پاکات علاوه بر بارگذاری در سامانه بدون هیچ تغییری می‌بایست بصورت فیزیکی تحویل دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب فارس گردد.

انتشار نوبت اول آگهی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ انتشار نوبت دوم آگهی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

۱۹۷۸۴/م.الف ۱۳۴۴۷ شرکت آب و فاضلاب استان فارس

«آگهی مناقصه عمومی خرید –نوبت اول»

شماره ۲۰۰۹۶۱۴۰۳۰۰۰۰۳۶ مورخ ۹۶/۱۲/۱۲ مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت شماره ۱۷۳ سال ۹۶

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد اقلام به مقدار و مشخصات ذیل به روش مناقصه عمومی:

شماره فراخوان	ردیف	نام و مشخصات کالا	تعداد یا مقدار	واحد	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	محل اعتبار
۲۰۰۹۶۱۴۰۳۰۰۰۰۳۶	۱	زانو پلیکا ۴×۴۵	۲۰۰۰۰	عدد	۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰	غیر عمرانی
	۲	زانو پلیکا ۶×۴۵	۷۰۰۰	عدد		
	۳	سیفون با دریوش ۴	۱۰۰۰۰	عدد		
	۴	سیفون با دریوش ۶	۲۰۰۰	عدد		
	۵	شیر یکطرفه پلیکا ۴	۱۰۰۰۰	عدد		
	۶	شیر یکطرفه پلیکا ۶	۱۰۰۰	عدد		
	۷	تبدیل پلیکا ۶×۴	۱۰۰۰	عدد		
	۸	سه راه پلیکا (پروپیلن) ۶	۱۰۰۰	عدد		
	۹	انشعابگیر ۴	۶۰۰۰	عدد		
	۱۰	انشعابگیر ۶	۳۰۰۰	عدد		

و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت خریداری نماید. کلیه مراحل مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. بدیهی است شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار خواهد بود. هزینه آگهی از برنده مناقصه اخذ خواهد شد.

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی ۱۳۴۵۶